

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۰ فبروری ۲۰۲۲



یونس نگاه

جمهوریت و حرکت



تعدادی از دوستان این عکس طالبان را تمجید کرده نوشتند که رهبران طالبان خاکی‌اند و کشوفش بلد نیستند. این خوش‌بینی شاید ریشه در روحیه روستایی ما دارد، ورنه این تصویر در عصر ما بسیار نامیدکننده است. آدم حتی در هنگام سختی و غم ایستاده و در حال حرکت زیبا معلوم می‌شود. آنانی که رهبری را به‌دست دارند اگر در دیدار از محل حادثه تصاویر ماکیان‌گونه و بی‌اراده از خود مخابره کنند، سیاست نمی‌دانند و رهبر نیستند. وقتی فاجعه یا اتفاق بدی در جریان است و ثانیه‌ها شمار می‌شود، رهبران باید تندتر راه بروند، بیشتر بایستند و چهره مصمم و باراده از خود تصویر کنند تا دیگران نیز انگیزه گرفته بیشتر بپنند، دست‌به‌دست هم داده تلاش‌های‌شان را سرعت بخشند.

طالبان نیروی رهبری شده است. برنامه‌های‌شان را حوادث و دست‌های پیدا و پنهان خارجی و داخلی تنظیم می‌کنند، و

بهترین‌های‌شان چشم به آسمان و اراده برتر دارند. ازینرو، نشستن و دعا کردن برای آنان بهترین حالت جسمی به‌نظر می‌رسد. آنان خود را انسان‌های منفعل به‌نمایش می‌گذارند و مردم افغانستان نیز متأسفانه، از آنجائی که تقدیرگرایی و انفعال در ذهن‌شان جا داده شده است، نشستن و خاکمالی را نشانه ایمان و تسلیم می‌دانند و تصور می‌کنند هر که تسلیم باشد به دیگران کمتر ضرر می‌رساند و به خداوند نزدیکتر است.

اما در عمل آدم‌های تسلیم‌شده لزوماً کم‌ضرر نیستند، بلکه بیشتر ابزار قرار می‌گیرند، کمتر توان برنامه‌ریزی و مدیریت دارند، و شایسته رهبری نمی‌باشند. آدم‌های تسلیم‌شده شاید تصور کنند که اراده آسمانی آنان را از حجره به ارگ می‌برد، از ارگ به کوه و دوباره از کوه به وزارت می‌کشاند. اما چنین نیست. استخبارات و مدیران پشت پرده آنان را ارزان‌ترین و کم‌خطرترین ابزار بازی می‌یابند و این‌جا یا آن‌جا می‌نشانندشان.

جمهوریت آدم‌ها را به حرکت می‌خواند. در جامعه جمهوری رهبران کمتر در حال نشسته و تسلیم‌شده دیده می‌شوند. آنان اگر در برابر حوادث ضعیف هم باشند، از تپیدن و ایستادن باز نمی‌مانند. جمهوریت انسان را صاحب اراده ترسیم می‌کند. در جمهوریت تماشاچی نیز منفعل نیست. اگر متوجه شده باشید، در گردهمایی‌های جمهوری مردم می‌رقصند، کف می‌زنند، شعار می‌دهند و ابراز نظر می‌کنند. حتی اگر غم داشته باشند، سر به زانو نمی‌گذارند، بلکه دست به بازوان یک‌دیگر گذاشته ترانه می‌خوانند. در تجمعات جمهوری مردم - رهبر و مخالف- صاحب سخن و نظراند. این‌گونه ساکت و خاموش نمی‌نشینند، بلکه دست تکان می‌دهند، برنامه می‌ریزند، ابتکار به‌دست می‌گیرند، رقابت می‌کنند، دشنام می‌دهند و آفرین می‌گویند.

اگر این اتفاق در نظام جمهوری می‌افتاد، چنین صحنه ساکت و تسلیم‌شده را هرگز نمی‌دیدید.

جمهوریت ایستگاه نیست، مسیر است. امارت اما ایستگاه است. امارت خود را برترین، یگانه و پایان ترسیم می‌کند. جمهوریت امکان بی‌پایان برای رفتن و بهتر شدن است. جمهوریت شاید از جایی دردناک‌تر و پرهزینه‌تر از امارت آغاز شود، برای مدتی رنج‌های بسیار نیز خلق کند، اما درپچه‌ی امکان را به‌روی مردم می‌گشاید و ظرفیت‌های ملت را برای تغییر بیدار می‌سازد.

شما با نشستن به‌جایی نمی‌رسید. دست از تلاش برای ساختن جمهوری دمکراتیک بر ندارید.